

تحلیل نشانه‌شناسی برساخت تصویر زن در کتب درسی با تأکید بر دیدگاه بارت

محمد حسین ابتکاری^۱

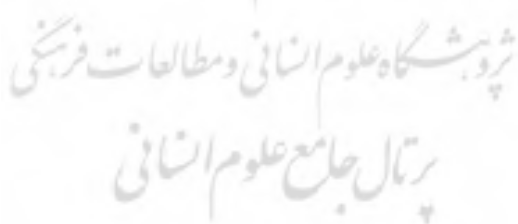
پذیرش: ۹۸/۹/۸

دریافت: ۹۸/۳/۴

چکیده

مطالعه‌ی حاضر به تحلیل نشانه‌شناسی برساخت تصویر زن در کتب درسی می‌پردازد. برای تحلیل موضوع، از دیدگاه نشانه‌شناسی بارت کمک گرفته شد. رویکرد و روش تحقیق، رویکردی کیفی و استفاده از روش مطالعه‌ی اسناد بود. روش‌های انتخاب تصاویر، بر اساس روش نمونه‌گیری هدفمند و روش تحلیل موضوعی است. داده‌های مورد بررسی، تصاویر مربوط به زنان در کتب مطالعات اجتماعی متوسطه‌ی ۱ بوده است. مقوله‌های ناشی از تحلیل نشانه‌شناسی تصاویر را می‌توان حول محورهای فرعی زن موجودی خانگی، فعالیت سنتی، فاصله‌گیری اجتماعی، موجودی غیرسیاسی و ضعف مدیریت اجتماعی؛ و مقوله محوری - دیگری کمتر مهم" دسته‌بندی و تحلیل کرد. بر اساس تحلیل تصاویر، می‌توان گفت تصاویر ارائه شده از زنان در کتب درسی، به شکل‌گیری و تقویت نوعی نگاه جنسیت‌گرا و کردار تبعیض‌آمیز جنسیتی در جامعه می‌انجامد. در نتیجه، بازنمایی تصاویر، هم بازگو کننده‌ی نابرابری بین جنسیتی و هم بازتاب ناتوانی زنان در دستیابی به موقعیت‌های مهم و ارزشمند زیست اجتماع‌شان می‌باشد.

کلید واژه‌ها: کتب درسی، نابرابری جنسیتی، زن.



^۱ - دکترای جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران، Mh.ebtkari@yahoo.com

طرح مسأله

متن جنسیتی متنی است که بیانگر تعصب به نفع یک جنس و رفتار تبعیض آمیز علیه جنس دیگر است (۶۳: ۲۰۰۶).^۱ در اکثر جوامع به زنان، به عنوان کنشگران جدی زندگی نگاه نمی‌شود و همواره نقش درجه دومی دارند که این امر منجر به ایجاد زبان جنسیت زده در جامعه شده که یکی از گونه‌های جنسی-زنان- را در حاشیه قرار می‌دهد و گونه‌ی جنسی دیگر- مردان- را به عنوان گونه‌ی متعارف و معیار می‌شناساند (حیدری، ۱۳۹۲: ص ۲). بنابراین، یکی از درجه‌های مهم و مناسبی که می‌توان به رژیم خاص حقایق یک بستر اجتماعی خاص پی برد، بررسی نقش‌های جنسیتی به کار برده شده در برنامه‌ها، محتوا و تصاویر کتب درسی است. موضوع تبعیض جنسیتی در کتب درسی ابتدا در موج دوم فمینیسم در غرب ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ آغاز گردید (۱۳۴: ۲۰۱۴، اولوا و همکاران^۲). ویتزمن در سال ۱۹۷۲ نشان داد که تصاویر زنان در متون مختلف به طور جدی کلیشه‌ای، قالبی و یا نادیده گرفته شده است (۱۱۲۸: ۱۹۷۲، ویتزمن^۳)، و این الگوی تقریباً یکنواخت تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی در سراسر جهان از گذشته تا به حال ادامه دارد (۳۴۶: ۲۰۰۹، بلومبرگ^۴).

به عقیده لوو و شرارد (۱۹۹۹) اشکال و عکس‌های کتاب درسی دارای تأثیرات مهمی بر ذهن و ادراک مخاطب‌اند، زیرا نه تنها جلوه‌های عینی و اجزای قابل مشاهده‌ی واقعیت هستند، بلکه در بردارنده‌ی معانی ضمنی نیز می‌باشند که ممکن است حتی چنین معانی و تفسیرهایی مورد نظر مولفین این کتاب‌ها نبوده است. به همین جهت آن‌ها استدلال می‌کنند که تصاویر کتاب‌های درسی می‌توانند در بسیاری از موارد تأثیرات به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر از متن این کتاب‌ها بر روی دانش‌آموزان داشته باشند (نقل از فروتن، ۱۳۹۰: ۵۱). توسی و الیو معتقدند دید قالبی در مردان و زنان در تصاویر و واژگان ظهور می‌کند. معتقدند وقتی در کتاب‌های کودکان پلیس به عنوان یک مرد نشان داده شده است، تصویر و ساختار لغوی، ترکیبی را نشان می‌دهد که پلیس مرد است. بنابراین، تصاویر کتب درسی ممکن است افکار مثبت و یا منفی در مورد خود، جنس، شغل، انتظارات، فرصت‌ها و شانس‌های زندگی را ارتقا دهد (۳۳: ۲۰۱۳، توکی و آلیو^۵). بنابراین، فرآیند آموزشی و محتوا و تصاویر کتب درسی در شکل‌گیری هویت جنسی و نقش‌های جنسیتی اجتماعی پذیرفته شده نقش بسیار مهمی دارند (پسیکان و مورینکوویچ^۶، ۳۸۴: ۲۰۰۶). فرالی^۷ معتقد است ادراک کودکان از نقش جنسیتی تحت تأثیر برنامه‌ی درسی پنهان است که از طریق مواد آموزشی صورت می‌گیرد (نقل از ۶۴: ۲۰۰۶، هولموویچ و جورآپ^۸). کتاب‌های درسی اغلب مرد سالارانه است و زنان بیشتر در نقش مادر، نقش‌های محدود، و فعالیت‌های سنتی نشان داده شده است و مردان اغلب شجاع، هوشمند، بافتخار، کنج‌کاو، قدرت بدنی قوی، با اقتدار و مستقل به تصویر کشیده شده‌اند (۲۸: ۲۰۰۹، پروگیلز و کرومر^۹). کتاب‌های درسی بازنمایی جنسیتی نابرابر را انتقال می‌دهند (همان: ۴۰). گزارش جهانی ۲۰۰۸ بلومبرگ نشان داد که یک الگوی قابل ملاحظه‌ی مشابه از تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی سراسر جهان وجود دارد که زنان و دختران به شدت کمتر مورد توجه هستند، همیشه در نقش‌های کلیشه‌ای به تصویر کشیده شده‌اند و در مشاغل و یا فعالیت‌های غیرخانگی و سنتی هستند، آن‌ها معمولاً منفعل و مردان شجاع و با اعتماد به نفس و دارای مشاغل ارزشمند هستند (۱: ۲۰۱۵، ویلیام و کنان^{۱۰}). همیلتون معتقد است نمایش قالبی از جنس و عدم حضور نمایندگان شخصیتی مهم در تصاویر کتب درسی، بر رشد منفی کودکان، محدود کردن آرمان حرفه‌ای آن‌ها و نگرش قالبی نسبت به آینده‌ی شان به عنوان پدر و مادر و ویژگی‌های شخصیتی شان تأثیر می‌گذارد (۷۵۷: ۲۰۰۶، همیلتون و همکاران^{۱۱}).

^۱. Vericaite

^۲. Ullah et al

^۳. Weitzman

^۴. Blumberg

^۵. Toci and Aliu

^۶. Pesikan and Marinkovic

^۷. Frawley

^۸. an Holmqvist and Gjorup

^۹. Bruegilles and cromer

^{۱۰}. William and Kenan

^{۱۱}. Hamilton et al

در سال‌های اخیر در سطح جهان، تغییرات عمده‌ای در راستای شناسایی تبعیض‌های جنسیتی و رفع نابرابری‌های جنسیتی در محتوا و تصاویر کتب درسی رخ داده است. از جمله: در ۵ کشور نپال، بنگلادش، چاد، گینه و غنا، بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار هزینه برای از بین بردن تبعیض جنسیتی در برنامه‌ها و کتاب‌های درسی شده است (۲۰۰۹: ۳۵۷، بلومبرگ^۱). همچنین، در کشورهایی مانند شیلی و پاکستان، یونسکو نقش مهمی در تأمین بودجه برای تحقیقات اولیه در زمینه تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی انجام داده است و در تایلند نیز بنیاد راکفلر بودجه‌ای برای تجزیه و تحلیل تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی تأمین کرده است (ویلیام و کنان^۲، ۲۰۱۵: ۲۱). دولت سوئد نیز در زمینه‌ی از بین بردن تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی گام‌هایی برداشته است که نسبت به بسیاری از کشورها موفق‌تر بوده است (۲۰۰۹: ۳۴۶، بلومبرگ^۳). اما به نظر می‌رسد تصاویر تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی با وجود تلاش‌های مختلف هنوز به شدت باقی مانده است (جاسی: ۱۹۹۸: ۸۸)^۴، و مطالعات اخیر نیز تبعیض جنسیتی در تصاویر و محتوای کتاب‌های درسی را در سطح جهان تأیید می‌کند (۲۰۰۶: ۷۶۵، همیلتون و همکاران^۵). در ایران نیز بر حسب مستندات، جهت رفع تبعیض‌های جنسیتی در محتوای کتب درسی کمتر کاری صورت گرفته است.

در این راستا، پژوهش حاضر به بر ساخت تصویر زنان در کتب درسی پرداخته است. با بررسی تصویر و موقعیت زن در کتب درسی می‌توان وضعیت نابرابری جنسیتی را در نگاه مردم و برنامه‌ریزان درسی که در یک بستر اجتماعی مشترک زندگی می‌کنند به تصویر کشید. جنسیت یکی از جنبه‌های اولیه‌ی هویت است که ما از طریق زبان و ارتباط با دیگران می‌آموزیم، بنابراین شناخت و ارزیابی تصاویر جنسیتی بازنمایی شده در کتب درسی می‌تواند تصویر گویایی از هویت و وضعیت اجتماعی - اقتصادی زنان ارائه دهند که برای درک و تشخیص انتظارات اجتماعی و فرهنگی در زنان استفاده می‌شود (۸: ۲۰۰۶، هومویچ و جورآپ^۶). ضرورت این تحقیق به سبب فقر مطالعاتی در زمینه‌ی تفسیر و مطالعه‌ی تصاویر کتب درسی، به ویژه در حوزه‌ی نابرابری جنسیتی، دوچندان شده است.

این مقاله در صدد پاسخگویی به سؤالات زیر است:

- زنان در تصاویر کتب درسی چگونه تصویر شده‌اند؟

- وضعیت نابرابری‌های جنسیتی در تصاویر و عکس‌های کتب درسی چگونه است؟

پیشینه

فروتن ۱۳۹۰ در بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی به این نتیجه رسید که الگوی سنتی تفکیک نقش‌های جنسیتی داخل و خارج خانه به وضوح در کتاب‌های درسی بازنمایی شده است. ارجمندفر ۱۳۹۱ در پایان‌نامه‌ی خود با بررسی کتابهای فارسی و تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی از نظر چگونگی کاربرد نشانگان جنسیتی به این نتیجه رسید که علی‌رغم تلاشی که به نظر می‌رسد مولفان و تصویرگران این کتاب‌ها برای جبران نواقص موجود در حوزه‌ی زن و خانواده مانند کم شمار بودن تعداد زنان در کتاب‌های درسی، کم تنوع بودن نقش زنان، کلیشه‌ای شدن حضور زنان در برخی مشاغل خاص و ... کرده‌اند، هنوز نیز کاستی‌هایی به خصوص در زمینه‌ی نشان دادن جایگاه یک زن کامل و موفق در عرصه‌ی اجتماع و خانواده وجود دارد. حاضری و احمدپورخرمی ۱۳۹۱ در بررسی بازنمایی جنسیت در کتب تحصیلی به این نتیجه رسید که زنان در اندک موارد حضور، موجوداتی ضعیف، عاطفی، نیازمند کمک و مطیع مردان بازنمایی شده‌اند. مسعودی ۱۳۹۲ در پایان‌نامه‌ی خود با موضوع جنسیت و برنامه‌ی درسی نشان داد که در اکثر محورها و موارد، فاصله‌ی میان زنان و مردان بیش از ۱۰ در صد است و این امر نشان دهنده‌ی وجود تبعیض جنسیتی در کتاب‌های درسی دوره‌ی راهنمایی است. مرزوقی و منصور

^۱ . Blumberg

^۲ . William and Kenan

^۳ . Blumberg

^۴ . Jassey

^۵ . Hamilton et al

^۶ . Gjorup and Holmqvist

۱۳۹۴ با تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی دریافتند که زنان معمولاً در نقش افرادی احساسی و زبردست، مشاغل مربوط به خانه‌داری و در قالب مادری و همسری به تصویر کشیده شده‌اند.

الرابه^۱ ۱۹۸۵ با تحلیل محتوای کتاب‌های درسی سوریه پی برد که محتوای آن به نفع مردان جانبدارانه است و زنان در آن قربانی و تحقیر شده‌اند. مردان دارای شخصیت‌های برجسته نشان داده شدند و زنان بیشتر در مشاغل سنتی و ابسته به تصویر کشیده شده بودند. یی^۲ ۲۰۰۲ با بررسی متون درسی کتاب مطالعات اجتماعی کشور چین به این نتیجه رسید که ۱۰۰ درصد از دانشمندان و سربازان در این متون مرد هستند و ۱۰۰ درصد از معلمان و ۷۵ درصد کارهای خدماتی زنان هستند و زنان مسلط بر حوزه‌ی خصوصی و مردان مسلط بر حوزه‌ی عمومی به تصویر کشیده شده‌اند. تانگ^۳ و همکاران نیز ۲۰۱۰، نابرابری جنسیتی به نفع مردان در کتب درسی چین را نشان دادند. احمد^۴ ۲۰۰۶ نشان می‌دهد با وجود تلاش برای حذف کلیشه‌های جنسیتی در کتب درسی هند، اما این کتاب‌ها هنوز مرد محورند و نیمی از عکس‌های کتب را مردان و پسران و تنها ۶ درصد آن زنان و دختران است. مک کب و همکاران^۵ ۲۰۱۱ با مطالعه‌ی تبعیض جنسیتی در ۵۶۱۸ کتاب کودکان منتشر شده از ۱۹۰۰ تا ۲۰۰۰ نشان دادند که حضور زنان در این کتب کم‌رنگ است و مردان تقریباً دو برابر در عناوین و ۱٫۶ برابر به عنوان شخصیت اصلی حضور داشتند. ویریکیت^۶ ۲۰۱۲ در بررسی محتوای کتب درسی هند، استفاده از زبان تبعیض جنسیتی در متون و تسلط غالب شخصیت مردان در این متون را مشاهده کرد. الله و اسکلتون^۷ ۲۰۱۳ در تجزیه و تحلیل تبعیض جنسیتی در کتب درسی پاکستان نشان دادند که در این کتب درسی کلیشه‌های جنسیتی تعبیه شده است و تسلط مردانه و دانش مردانه مسلط است. توسی و الیو^۸ ۲۰۱۳ در بررسی که به نقش‌های جنسیتی در برخی کتب درسی مقدونیه پرداختند، دریافتند که زنان بیشتر در نقش‌های حرفه‌ی سنتی مانند پرستاری، معلمی، آرایشگری و خدمه‌ی پرواز به تصویر شدند و مردان در تصاویر خلبان، گیتاریست، فضانورد، بازیکن فوتبال نشان داده شدند. ویجت - وادکان^۹ ۲۰۱۴ در تجزیه و تحلیل محتوای کتب درسی تایلند به این نتیجه رسید که تبعیض جنسیتی به شدت مشهود است. دختران و زنان به حوزه‌های داخلی خانه تنزل داشتند در حالی که پسران و مردان به صورت مثبت و در موقعیت‌های مهم، فرصت‌های شغلی معتبرتر و انجام وظایف مهم به تصویر کشیده می‌شوند.

چارچوب نظری

بارت از نخستین افرادی است که با گسستن از توجه صرف به فرهنگ والا و تحلیل آن، به کاوش در معنای کالاها و امور فرهنگی مردم‌پسند پرداخت. بارت در کتاب اسطوره‌شناسی، نشانه‌های زندگی روزمره و حیات سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی فرانسه در دهه‌ی ۶۰ را زیر ذره‌بین می‌گذارد و از اسطوره‌ها که زائیده‌ی نشانه‌های ناسالم هستند نقاب بر می‌دارد (بارت، ۱۳۹۲: ۲۳). بارت نشانه‌هایی را که قراردادی بودن خود را پنهان نمی‌کند، خود را عین طبیعت چنانمی‌زند و دارای انگیزش نیستند، نشانه‌های سالم می‌داند، اما نشانه‌ی ناسالم آن است که از طبیعتی کاذب سود می‌جوید و دارای انگیزش و قصد است و به سوی مخاطب که می‌آید پرخاشگر است (بارت، ۱۳۹۲: ۱۲). بارت در گزینش موضوع مقاله‌های اسطوره‌شناسی‌ها هیچ محدودیتی برای خود قایل نشده است. نوع خاصی از پوشاک، مدلی از اتومبیل، یک بشقاب غذای تزئین شده، یک ادای حرکتی، یک فیلم، گونه‌ای موسیقی، تصویر تبلیغاتی، نوعی مبلمان، اینها در ظاهر چیزهای نامتناجس هستند ولی بارت میان آن‌ها وجه مشترکی می‌بیند: آن‌ها دستکم همگی نشانه‌اند (بارت، ۱۳۹۲: ۱۲). بارت در رابطه‌ی اسطوره و نشانه‌شناسی بر این باور است که اسطوره‌شناسی بخشی از دانش گسترده‌ی نشانه‌شناسی است. او نشانه‌شناسی را دانش فرم‌ها می‌داند، زیرا دلالت‌ها را مستقل از

^۱ - Alrabaa

^۲ - Yi

^۳ - Tang

^۴ - Ahmed

^۵ - McCabe et al

^۶ - Vericaite

^۷ - Ullah and Skelton

^۸ - Toci n n Aliu

^۹ - Vichit-Vadakan

محتوایشان بررسی می‌کند. بارت بر خلاف سو سور معتقد است که در نظام نشانه‌شناسی نه با دو، بلکه با سه مولفه‌ی متفاوت سروکار داریم که نه توالی آن‌ها، بلکه همبستگی بین آن‌هاست که به آن‌ها وحدت می‌دهد. بنابراین در اسطوره نیز دالی هست، مدلولی و نشانه‌ای که جمع همبسته‌ی دو مولفه نخست است. اما از نظر بارت این یک نظام نشانه‌شناسی ثانویه است. آنچه در نظام نخست نشانه است، در نظام دوم به دالی ساده تبدیل می‌شود. اسطوره در برخورد با نوشتار القابایی و یا نوشتاری تصویری، فقط مایل است که کلیتی از نشانه‌ها و یک نشانه‌ی یکسره را ببیند. همه چیز چنان رخ می‌دهد که گویی اسطوره، نظام صوری دلالت‌های نخست را به کناری می‌راند (بارت، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۳).

بارت در کتاب عناصر نشانه‌شناسی از عان دارد که الگوی سوسوری نشانه (دال، مدلول، نشانه) صرفاً توجیه‌گر معنای صریح است و سوسور به بررسی معنای ضمنی و چگونگی آن پرداخته است. بارت معتقد است فقط در سطحی بالاتر از سطح معنای تحت‌اللفظی می‌توان به سطح رمزگان معنای ضمنی دست یافت. در نظام نشانه‌شناسی، بارت فرمول مشهور سوسور یعنی دال/مدلول/نشانه را به فرمول دیگری تبدیل می‌کند که شامل معنا - شکل / مفهوم/ دلالت است (بارت، ۱۳۹۲: ۴۰). بارت همچنین، با بررسی پیام آگهی پانزانی سه نوع پیام را نتیجه می‌گیرد: پیام زبانی، پیام نمادین رمزگانمند و پیام غیررمزگانمند. پیام‌های زبانی نیز در دو سطح قابل تفسیر است که آن‌ها را دلالت صریح و دلالت ضمنی نام نهاد (بارت، ۱۳۹۲: ۱۸۵). بارت به فرایند دلالت، یعنی همان فرایندی می‌پردازد که معنا از طریق آن ایجاد می‌شود. او چارچوب کلی دال + مدلول = نشانه را در نظر می‌گیرد و سطح دومی از دلالت را به آن می‌افزاید. بارت دو اصطلاح متداول معنای صریح و معنای ضمنی را جایگزین دلالت اولیه و دلالت ثانویه می‌کند و سپس به این نتیجه می‌رسد که اسطوره‌سازی در سطح دلالت ثانویه یا معنای ضمنی ایجاد می‌شود (بارت، ۱۳۹۲: ۳۷-۴۰).

جدول شماره ۱. سطح اولیه و ثانوی قاعده‌ی نشانه‌شناسی سوسور از دیدگاه بارت

	مدلول اول	دال اول	دلالت اولیه (معنای صریح)
	نشانه اول		
مدلول جدید	دال جدید		دلالت ثانویه (معنای ضمنی)
نشانه جدید			

بارت، ۱۳۹۲: ۷۶

بارت در «پیام عکس» در صدد پاسخ‌گویی به سؤالاتی کلان در حوزه‌ی نشانه‌شناسی تصویری است: اینکه چگونه یک عکس را می‌خوانیم؟ از خوانش آن چه چیزی در می‌یابیم؟ به چه ترتیب و روالی به این دریافت می‌رسیم؟ و اینکه آیا عکس برای همگان به صورت یکسان درک می‌شود؟

بارت، انتقال واقعیت را کارکرد عکس می‌داند. عکس را پیامی بدون رمزگان می‌داند، چرا که پیام آن پیامی پیوسته است. همچنین بارت نقاشی، تاتر، طراحی و سینما را نیز که پیام‌های آن مبتنی بر همانندی‌شان است، هنرهای بدون رمزگان می‌داند. بارت همه‌ی هنرهایی که مبتنی بر بازنمایی هستند را حامل دو پیام صریح یا هماننده و یک پیام ضمنی که شیوه‌ای را شامل می‌شود که اجتماع به آن و سیله، تلقی نسبی خود از آن پیام صریح یا هماننده را بیان می‌کند (بارت، ۱۳۸۹: ۱۴). از نظر بارت عکس، صرفاً دریافت و درک نمی‌شود بلکه خوانده شده و به واسطه‌ی اجتماع مصرف‌کننده‌ی عکس‌ها به شکلی کمابیش آگاهانه به اندوخته‌ی متعارف نشانه‌ها می‌پیوندد. وی معتقد است که عکس از هم‌زیستی دو پیام ایجاد می‌شود: یکی پیام بدون رمزگان (همانندی عکاسانه) و دیگری پیامی با رمزگان (هنر یا پرداخت، نوشتار و یا مجازگان عکس). وی این ناسازه را ناشی از هم‌دستی و هم‌یاری یک پیام صریح و یک پیام ضمنی در عکس نمی‌داند بلکه ناسازه را از آن جهت مطرح می‌کند که پیام ضمنی بر اساس یک پیام بدون رمزگان مطرح می‌شود (همان: ۱۶-۱۵). بارت فرایندهای مختلف دلالت ضمنی را از هم مجزا می‌کند. به نظر بارت باید سه فرایند نخستین (جلوه‌های ویژه، ژست‌ها و اشیاء) را از سه فرایند پسین (زیبانبایی، هنرنمایی، هم‌سازی) متمایز ساخت. چرا که در سه فرایند نخست، معنای ضمنی با اعمال تغییر یا اصلاحی در پیام صریح (این

ترفندها مختص عکس نیست) ایجاد می شود. در واقع عکس به عکاس این فرصت را می دهد تا با این ترفندها معنای ضمنی را در زیر دلالت صریح عکس پنهان کند (بارت، ۱۳۸۹: ۱۸).

با استناد به دیدگاه بارت و مباحث تئوریک مطرح شده سوالات ذیل قابل طرح است:

- آیا تصاویر کتب درسی علاوه بر معنای صریح دارای معنای ضمنی نیز هستند؟
- آیا تصاویر کتب درسی از نوع پیام های مخدوش هستند؟
- نشانه شناسی چه کاربردهایی در روش و شیوه تنظیم و ارائه تصاویر کتب درسی دارد؟
- نشانه شناسی چه تأثیری در تدوین محتوای تصاویر کتب درسی دارد؟
- نشانه شناسی چه کاربردهایی در تحلیل اثرهای اجتماعی - فرهنگی تصاویر کتب درسی دارد؟

روش پژوهش

شیوهی تحلیل تصاویر کتاب درسی در این مقاله بر اساس روش شناسی بارت است و تصاویر و عکس ها در دو سطح معنای صریح (معنای مستقیم و عامه فهم و اول مرتبه) و معنای ضمنی (معنای بیرونی و لایه ای و ساحت مرتبه دوم معنا) مورد تحلیل قرار می گیرد. تمایز میان دلالت ضمنی و صریح یکی از سازوکارهای نشانه شناسی در دیدگاه بارت است که وی آن را به تحلیل تصاویر نیز بسط داد. بارت معنای صریح در عکس را، پاسخی می داند که به صورت بی واسطه و اغلب ناقص به سؤال "این چیست؟" می دهیم. نوعی توصیف مستقیم و صریح که از میان نشانه ها، مخاطب را به معنای از پیش تعیین شده رهنمون می کند (بارت، ۱۳۸۹: ۴۵ - ۴۴). همانندی این معنا با واقعیت آنچنان شدید و اغراق آمیز است که در نگاه اول، گویی امکان وجود معنای دوم غیرممکن است. اما در این ساختار، لایه های معنایی دیگری هم نهفته است که سرنوشت محتوم تمام وسایل ارتباط جمعی است. بارت همواره تصاویر را دارای معنای ضمنی می دانست و بر آن بود که نسبت میان آن و معنای صریح در تصویر همان نسبت نشانه شناختی بین موضوع تصویر و بازنمایی آن است. بارت معتقد است، که عکس علاوه بر رونوشت برداری از واقعیت، آن را تا حدی تغییر نیز می دهد (همان: ۱۶ - ۱۵). به این ترتیب، با توجه به عناصر موجود در عکس ها - اشیا، رنگ ها، ژست ها، تکرارها و...، دال ها را مشخص کرد و مدلول اولیه و سپس ثانویه یا همان دلالت های ضمنی را بر اساس بستر تولید و مصرف عکس شرح داد. در برخی عکس ها رابطه ی بینامتنی ای را که عکس با گفتمانی خارج از متن داشت، مشخص گردید. به علاوه مخدوش بودن را که بارت ناشی از اسطوره ای بودن و تحریف پیام می داند در تصاویر کتب درسی تحلیل شد.

نمونه ی پژوهش حاضر بر اساس نمونه گیری هدفمند و غیر تصادفی انتخاب شده است؛ یعنی انتخاب نمونه ها بستگی به اهداف تحقیق دارد. تحقیق حاضر، تصاویر و عکس های زنان در کتب درسی مطالعات اجتماعی هفتم، هشتم و نهم را به عنوان مورد مطالعه انتخاب و با روش تحلیل موضوعی مورد تحلیل قرار داده است. روش موضوعی، فرایندی برای تحلیل داده های متنی است و داده های پراکنده و متنوع را به داده هایی غنی و تفصیلی تبدیل می کند (مهری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸). داده های مورد تحلیل در روش تماتیک یا موضوعی شامل داده های متنی، مصاحبه ها و داده های مشاهده ای متنی شده است. این تحلیل مبتنی بر عمل کد گذاری و تحلیل داده هاست که محقق از طریق طبقه بندی داده ها و الگویابی درون داده ای و برون داده ای به یک سنخ شناسی تحلیلی دست می یابد (محمدپور، ۱۳۹۲: ۶۶). در تحقیق حاضر، تصاویر به داده های متنی تبدیل شده و با روش تحلیل موضوعی، تصاویر و عکس های دارای مضامین مشترک و مشابه، ذیل یک مقوله ی انتزاعی تر که بازنمایی کننده ی معنای ضمنی آن ها می باشد، دسته بندی و تحلیل شدند. جهت ارزیابی اعتبار نتایج تحقیق و تحلیل داده ها، بعد از گردآوری تصاویر و مقوله بندی آن ها، برای چند نفر از استادان مجرب ار سال گردید تا میزان اعتبار نهایی فرایند تحلیل موضوعی داده ها و مضامین مربوطه برآورد و کنترل شود.

تحلیل یافته‌ها

یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد که در سه کتاب مطالعات اجتماعی هفتم (۱۷)، هشتم (۱۴)، نهم (۱۰) و در مجموع ۴۱ بار تصویر زنان به طور مستقل نشان داده شده است و تصویر مردان در این سه کتاب، مطالعات اجتماعی هفتم (۸۳)، هشتم (۹۳) و نهم (۱۱۶) در مجموع ۲۹۲ بار آمده است. تصویر زن و مرد به طور مشترک در مطالعات هفتم (۱۵)، هشتم (۱۷)، نهم (۱۸) و در مجموع ۵۰ بار به تصویر کشیده شده‌اند. بنابراین، داده‌ها نشان می‌دهد تصاویر کتب درسی مطالعات اجتماعی متوسطه ۱ از نظر کمی به شدت مردانه است.

تحلیل نشانه‌شناسی برساخت تصویر زن در کتب درسی مطالعات اجتماعی متوسطه ۱

در خلال تحلیل موضوعی تصاویر، تعداد ۵ مقوله از ویژگی‌های زنان استخراج شدند که عبارت‌اند از: موجودی خانگی، فعالیت سنتی، فاصله‌گیری اجتماعی، موجودی غیرسیاسی و ضعف مدیریت اجتماعی ارایه شد. در نهایت مقوله‌های مذکور در قالب یک الگوی معنایی با عنوان "دیگری کمتر مهم" ارایه شد.

زن، موجودی خانگی

زنان در دنیای مدرنیته هنوز در قالب نقش‌ها و فعالیت‌های خانگی تصویر می‌شوند، و در کتاب‌های درسی این نقش‌ها در ذهن پسران و دختران سنین مختلف به صورت قالبی در می‌آیند و انتظارات جامعه از نقش‌های جنسیتی هم برای پسران و هم برای دختران طوری تعریف می‌شود که خارج شدن از این چارچوب نقش تصویر شده می‌تواند پیامدهایی منفی برای فرد داشته باشد. زنان در بیشتر تصاویر مشغول فعالیت‌هایی هستند که در محیط خانه تصویر شده‌اند و مشغول فعالیت‌های خانگی مانند غذا درست کردن، مراقبت از کودک، لباس شستن و جارو کردن و غیره هستند:

حضور زن در خانه (مطالعات نهم، ص: ۳۴)

زنان در خانه مشغول چای درست کردن (مطالعات نهم، ص: ۹۱)

تصویر زنان در حال آماده کردن غذا برای ارسال به جبهه (مطالعات نهم، ص: ۱۱۰)

حضور در خانه و کمک به دخترش برای انتخاب لباس (مطالعات نهم، ص: ۱۱۵)

زن در حال گرفتن آب از لوله آب (مطالعات هشتم، ص: ۱۴۸)

زن در حال نگاه‌داری از دخترش (مطالعات هشتم، ص: ۱۵۵)

زن شستن ظرف و دختر جارو کردن، غذا درست کردن و کارهای خانگی (مطالعات هفتم: ۸) (مطالعات هشتم، ص: ۵)

دو دختر در خانه و نگاه کردن به مارک سس ماینوز برای استفاده (مطالعات هفتم: ۳۷)

آن چه از معنای صریح همه این تصاویر در ذهن دانش‌آموزان و خوانندگان این کتاب‌ها ایجاد می‌شود، فعالیت‌هایی است که زنان در خانه مشغول آن هستند و برای زندگی‌شان در حال تلاشند. اما این تصاویر دارای دلالت‌های ضمنی گوناگونی نیز می‌باشند. دلالت‌های ضمنی این تصاویر نقش و حضور زنان در جامعه را بی‌اهمیت و غیر لازم جلوه می‌دهد. در ذهن دانش‌آموزان این تصور ایجاد می‌شود که زنان تنها باید خود را برای کار در خانه آماد کنند و مهارت‌های خانه‌داری را بیاموزند. حوزه‌ی فعالیت زنان تنها در چارچوب خانه تصویر می‌شود و فراتر از این مرز تصویری مجسم نیست. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه موجوداتی خانگی بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان تصویری برای زنان متصور شد. همچنین از نگاه بارتی این تصاویر از نوع مخدوش هستند، چرا که نقش اجتماعی و اساسی را برای زنان در نظر نمی‌گیرند و لزوم مشارکت آنان را در جامعه غیر ضروری نشان می‌دهند. هم‌اینکه نشان می‌دهند زنان توانایی انجام کارهای مهم و اساسی را ندارند و از توانایی انجام کارهای غیر از خانه عاجز و ناتوانند. فعالیت‌های زنان را تنها محدود به محیط خانه می‌دانند و به عنوان موجودی خانگی تصویر می‌شوند.

فعالیت سنتی زنان

زنان در اکثر تصاویر کتب درسی مطالعات اجتماعی با فعالیت‌های سنتی به تصویر کشیده شده‌اند و به شکلی بازنمایی می‌شوند که هنوز در نقش‌های قدیمی مانده‌اند و انتظار می‌رود که آن‌ها در همین محدوده‌ی فعالیت‌های سکون بمانند و از فعالیت‌های مردانه و مدرنیته دور بمانند.

زن در حال مراقبت و محبت به دخترش (مطالعات هفتم: ص ۱).

زن در حال مراقبت از دخترش (مطالعات هشتم ص ۱۵۵).

زن مشغول کار کشاورزی در مزرعه (مطالعات هشتم، ص: ۱، ص: ۱۰۹، ص: ۱۳۵، ص: ۱۳۹، ص: ۱۴۸، ص: ۱۴۸).

تصویر حضور زنان در هلال احمر و جمع‌آوری وسایل و کارهای خدماتی (مطالعات هفتم: ۲۲)

تصویر زنان مشغول کارهای منشی‌گری و خدماتی و ثبت‌نام (مطالعات هفتم، ص: ۲۴، ص: ۲۶).

آن چه از معنای صریح همه‌ی این تصاویر در ذهن دانش‌آموزان و خوانندگان این کتاب‌ها ایجاد می‌شود، نشان از فعالیت‌هایی است که زنان در مراقبت از اعضای خانواده، کمک به همسر در فعالیت‌های کشاورزی، حضور در مکان‌هایی دولتی و سازمان‌های خصوصی دارند و قابل اهمیت است. دلالت‌های ضمنی این تصاویر، نقش زنان در فعالیت‌های ارزشمند مدیریتی، سرپرستی و تصمیم‌گیری را کم اهمیت جلوه می‌دهد. تصور قالبی ایجاد شده در این تصاویر محدود شدن نقش زن به همان فعالیت‌های سنتی و مراقبتی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کند. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه به فعالیت‌های سنتی مشغول بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان تصویری برای فعالیت‌های زنان متصور شد. از آنجایی که زنان در فعالیت‌های مهم اجتماعی در جامعه تصویر نشده‌اند و توانمندی‌ها و ظرفیت‌های آنها در موقعیت‌های مهم جامعه نادیده گرفته شده است و ارتقا و فعالیت‌های مدرنیته را فقط برای مردان بازنمایی می‌کند، از نوع تصاویر مخدوش هستند.

فاصله‌گیری اجتماعی

در عصر امروزه حضور و مشارکت اجتماعی زنان در جامعه دوچندان شده است و روز به روز هم این پدیده در کشورهای پیشرفته رو به افزایش است. زنان با حضور فعال‌تر در جامعه می‌توانند خلاءهای روحی - روانی خود را برطرف نموده و نقش بهتری در اداره‌ی زندگی شخصی خود نیز داشته باشند. حضور بیشتر زنان در زیست اجتماعشان به تفکرات قالبی موجود در فرهنگ جامعه بستگی دارد. تصاویر کتاب درسی به عنوان یک عامل مهم فرهنگی هویت‌ساز، حضور زنان در بستر اجتماعی را بسیار ضعیف به تصویر می‌کشد.

حضور چند مادر به همراه پسرانشان برای افتتاح یک مدرسه (هشتم، ص ۸)

رفتن بر سر قبر همسر شهید (هفتم، ص ۹)

عضویت دختران در فرزانگان و پیشتازان (هفتم، ص ۱۰)

حضور مراسم عروسی (نهم، ص ۱۱۸)

زنان در حال کشاورزی (نهم، ص ۱۱۴)

زنان در حال مهاجرت با اسباب و بچه‌هایشان (نهم، ص ۴۸)

خرید برای خانه (هفتم، ص ۴۱)

معانی صریح این تصاویر، حضور زنان در برخی فعالیت‌های اجتماعی در جامعه را بازنمایی می‌کند. اما معنای پنهان و ضمنی این تصاویر نشان می‌دهد که زنان تنها برای فعالیت‌های بسیار جزئی و ساده در جامعه حضور می‌یابند. این فعالیت‌ها نیز کاملاً زنانه و کمتر مهم تصویر می‌شوند. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه از جامعه دور بوده و دور نگه‌داشته شده‌اند و غیر از این نمی‌توان چیزی متصور شد. از آنجا که در این تصاویر حضور زنان با نقش‌های معمولی به تصویر کشیده شده‌اند و این تصویر را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند که زنان تنها به واسطه‌ی فعالیت‌های معمولی در جامعه حضور می‌یابند و از بستر زیست‌اجتماع و مردانه فاصله دارند، مخدوش می‌باشند.

زن موجودی غیرسیاسی

زنان امروزه در دنیای مدرنیته نقش اساسی در تعیین سرنوشت خود دارند. مشارکت سیاسی حقیقی است که برای زنان در جامعه‌ی جهانی در سال‌های اخیر تعریف شده است. اما تصاویر کتب درسی تصویر ضعیفی از نقش مشارکت سیاسی زنان را بازنمایی می‌کند. بیشتر تصاویر مشارکتی، مردانه است و تصویر زنان یا وجود ندارند یا در سایه‌ی تصویر مردان قرار دارند. حضور سه زن در هیأت دولت که به صورت بسیار کم رنگ و ضعیف در آخر تصویر بین تعداد زیادی مرد نشسته اند (مطالعات هشتم، ص ۱۳).

زنان در حال تظاهرات انقلاب ۹۹ (مطالعات نهم، ص ۹۹)

زن مبارز انقلابی (مطالعات نهم، ص ۱۰۴)

حضور کم رنگ در همه پرسی انقلاب (مطالعات نهم، ص ۱۰۷)

مشارکت سیاسی ۱۴۲ در انتخابات (مطالعات نهم)

معنای صریح این تصاویر نقش زنان در فعالیت و مشارکت‌های سیاسی را در ذهن مخاطب به تصویر می‌کشد. دلالت‌های ضمنی این تصاویر، نقش زنان را تنها با نقش انتخاب کردنی به تصویر می‌کشد نه انتخاب شدن. زنان در این تصاویر تنها در ساده‌ترین شکل‌های مشارکت سیاسی یعنی تظاهرات به نفع دولت و حضور در رأی‌گیری به تصویر کشیده شده‌اند. در این تصاویر برای زنان تنها نقش حمایتی متصور شده که حکومتی مردانه یا نامزدی مردانه را باید حمایت یا انتخاب نمایند. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه موجوداتی غیر سیاسی بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان چیزی متصور شد. از آنجایی که زنان در موقعیت‌ها و مشارکت‌های سیاسی که با نقش فعال در بدنه‌ی حکومت و دولت تصویر نشده‌اند، این تصاویر از نوع مخدوش هستند، چرا که زنان را منفعل سیاسی به تصویر می‌کشند که فاقد توانایی مشارکت‌های فعال - مانند نامزد انتخاباتی، شهردار، استاندار و ... - هستند.

ضعف مدیریت اجتماعی

مدیریت مطلوب بخش‌های مختلف جامعه نیازمند نقش توأمان مدیریتی مردان و زنان در جامعه می‌باشد. استفاده از زنان و اعتماد به توانایی‌های مدیریتی و سبک‌های رهبری آنها در جامعه‌ی امروزی در کشورهای پیشرفته‌ی دنیا جزء اجتناب‌ناپذیر تفکرات غالب محسوب می‌شود. در تصاویر هر سه کتاب بررسی شده، هیچ تصویری، نقش زنان را در بخش رهبری و مدیریت اجتماعی به تصویر نکشیده است. تصاویر مدیریتی و رهبری همه مردانه هستند و تصاویر زنان نیز در موقعیت‌های شغلی درجه دوم و سوم به تصویر کشیده شده است. پیام ضمنی چنین تصاویری یا عدم تصاویر مدیریتی زنان، واپس نگه داشتن دختران و زنان از شکل‌گیری چنین تفکری در جامعه را نشان می‌دهد. از نگاه اسطوره‌شناسی بارت زنان همیشه موجوداتی منفعل، سلطه‌پذیر و ناتوان در مدیریت و رهبری اجتماعی بوده و هستند و غیر از این نمی‌توان تصویری برای زنان متصور شد. این تصور که نقش مدیریتی زنانه تنها محدود به چارچوب خانواده است و نقشی فراتر از آن متصور نیست و نقش مدیریت اجتماعی زنان را کاملاً نادیده گرفته است، از نوع تصاویر مخدوش است.

نتیجه‌گیری و بحث

مطالعه‌ی حاضر به تحلیل نشانه‌شناسی بر ساخت تصویر زنان در کتب درسی با تأکید بر دیدگاه بارت پرداخته است که به نتایج ذیل دست یافته است:

بر مبنای نگاه بارت تحلیل مقوله‌ها نشان می‌دهد که اکثر تصاویر شکل اسطوره‌ای داشتند و جامعه‌ی مورد نظر بدون هیچ تردیدی این گونه صفات را برای زنان پذیرفته و آنان را ابدی می‌دانند. اکثر تصاویر به نوعی دارای مضمون سوگیری جنسیتی، مخدوش و تبعیض‌آمیز به نفع مردان و به ضرر زنان می‌باشند و مواردی را شامل می‌گردند که علاوه بر معنای صریح، معنای ضمنی - که واقعیت را تحریف می‌کنند - را ترسیم می‌نمایند. تحلیل این تصاویر نشان می‌دهد که تصویر زنان در قالب بازنمایی‌هایی صریح و مستقیم؛ مانند: زن موجودی خانگی، فعالیت سنتی، فاصله‌گیری اجتماعی، موجودی غیر سیاسی و ضعف

مدیریت اجتماعی و ... بیانگر نوعی انگاره‌ی عمیق و زیربنایی است که زنان را به عنوان جنس فروتر، ضعیف‌تر و در مرتبه‌ی دوم بعد از مرد قلمداد می‌کند. البته کارکرد و آثار این عکس‌ها در سطح تصویر متوقف نشده، بلکه دیگر قلمروها و سطوح اجتماعی و اقتصادی زندگی زنان را نیز متأثر می‌سازد؛ زیرا با بازنمایی شدن زنان، به عنوان "جنس دوم و کهنتر"، آنان اجازه‌ی دستیابی به موقعیت‌های مهم اقتصادی و اجتماعی جامعه را ندارند. به عبارتی دیگر، این تصاویر می‌توانند زمینه‌ی "موجه‌نمایی و توجیه" نابرابری‌های جنسیتی در قلمروهای متعدد زندگی را فراهم کنند. نابرابری‌هایی "ظاهری و آشکار" که بازتاب نابرابری‌های "جوهری و عمیق" تر تصور می‌شوند و در قالب "تصویر" تکرار، تأیید و تقویت می‌گردند. بنابراین، در این تصاویر جنسیت نقش اساسی را در ایجاد تفاوت داشته، جنس زن بودن فرد را واجد صفات منفی، ذکر شده در این تحقیق، جلوه می‌دهد و ذهنیت منفی موجود در بستر اجتماعی مورد نظر، اجازه خودنمایی و پیشرفت را به زنان منطقی و توانمند نیز نمی‌دهد. اما با توجه به فلسفه تربیت در سند تحول بنیادین و توجه به وجوه اختصاصی هویت متریان (به ویژه هویت جنسیتی) و عدم توجه به یکسان‌سازی انسان‌ها، که آن را از ویژگی‌های نظام مدرنیته می‌داند (مبانی نظری تحول بنیادین: ۲۳۷)، چنین تصاویری در جهت هویت‌سازی جنسیتی، در برخی تصاویر - بالاخص در مقوله‌ی زنان به عنوان موجودات خانگی - جهت فراگیری آموزش‌های نقش زنان در خانواده و زندگی در زیست اجتماع بر اساس کسب شایستگی‌های ویژه‌ی هویتی عمل می‌کند. در نظام تربیت رسمی و عمومی در سند تحول، ایجاد هویت واحد برای آحاد جامعه، بر مبنای یکسان‌سازی اهداف و محتوای آموزش مورد نقد قرار می‌گیرد و نتیجه‌ی طبیعی آن را شخصیت‌زدایی از متریان و اضمحلال فردیت ایشان می‌داند. لذا نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، علاوه بر زمینه‌سازی تکوین و تعالی هویت مشترک در آحاد متریان، نسبت به زمینه‌سازی برای تکوین لایه‌های ویژه‌ی هویت آنان (به ویژه هویت جنسیتی) از طریق کسب شایستگی‌های ویژه نیز توجه دارد (همان، ۲۳۸). در سند تحول بنیادین، هویت جنسیتی از جمله مهم‌ترین لایه‌های هویت است که در نظام تربیت رسمی و عمومی و در تداوم روند تکوین و تعالی هویت مشترک متریان باید به آن توجه جدی شود. زیرا به سبب اهمیت نهاد خانواده و نقش آن در تحقق جامعه‌ی صالح، تکوین و تعالی هویت جنسیتی می‌تواند در این نظام برای کسب شایستگی‌های لازم جهت درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران کانون توجه قرار گیرد، که مواردی نظیر نقش‌های جنسیتی و آمادگی برای تشکیل خانواده از جمله‌ی این شایستگی‌هاست (همان: ۲۶۹). بنابراین، محتوا و تصاویر کتب درسی، عامل هویت‌ساز محسوب می‌شود که می‌تواند در شکل‌گیری هویت سالم عمل کند و مانع از تفکرات قالبی جنسیتی گردد. در این راستا، تصاویر کتب درسی، در برخی موارد بر مبنای عدم یکسان‌سازی هویتی است که در سند تحول به شدت مورد تأکید است، اما از برخی جهات - مدیریت اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، شغل و ... - نیازمند بازنگری است. چرا که در نظام تربیت رسمی و عمومی باید زمینه‌ی مناسب شناخت و تعالی مستمر ظرفیت‌های متریان را فراهم سازد تا ضمن تکوین و تعالی هویت سالم و متعادل در آنان، از انسداد طبقاتی در جامعه جلوگیری کند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۲۲۳).

نتایج تحقیق حاضر با اکثر تحقیقات ذکر شده در پیشینه‌ی مطالعاتی، که بر وجه منفی تصویر زنان در کتب درسی تأکید داشتند، انطباق داشته و همسو با آن‌ها معتقد است که نابرابری جنسیتی در تصاویر به وضوح قابل تشخیص و بررسی است. با توجه به پیشینه‌ی تحقیق، زمینه‌های اجتماعی و ساختاری در بسترهای اجتماعی سعی در نادیده گرفتن زنان داشته، محدودیت‌هایی اجتماعی را بر آنان تحمیل می‌کند، که علاوه بر نمود در کردارهای اجتماعی، در تصاویر بازنمایی شده، به نسل‌های بعد نیز منتقل می‌گردد.

منابع

- ارجمندفر، فاطمه. (۱۳۹۱). بررسی کتابهای فارسی و تعلیمات اجتماعی مقطع ابتدایی از نظر چگونگی کاربرد نشانگان جنسیتی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبایی.
- آلن، گراهام. (۱۳۹۲). *رولان بارت*. چاپ دوم. ترجمه پیام یزدجو. تهران: نشر مرکز.
- بارت، رولان. (۱۳۸۹). *پیام عکس*. چاپ دوم. ترجمه راز گلستانی‌فرد. نشر مرکز.
- بارت، رولان. (۱۳۹۲). *اسطوره، امروز*. چاپ ششم. ترجمه شیرین‌دخت دقیقیان. تهران: نشر مرکز.
- حاضری، علی محمد؛ احمدپورخرمی، علیرضا. (۱۳۹۱). «بازنمایی جنسیت در کتب فارسی مقاطع تحصیلی راهنمایی و دبیرستان در سال‌های تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۰، شماره ۳، ۹۶-۷۵.
- حیدری، سعدیه. (۱۳۹۲). بررسی جایگاه زن در فرهنگ عامیانه کردی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. دانشگاه پیام نور مرکز تهران غرب.
- فروتن، یعقوب. (۱۳۹۰). «بازنمایی الگوهای اشتغال زنان در متون درسی ایران». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۹، شماره ۲، ۸۰-۳۹.
- فلسفه تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران. بخش دوم. مبانی نظری تحول بنیادین.
- محمدپور، احمد. (۱۳۹۲). *روش تحقیق کیفی ضد روش ۲*. چاپ دوم. تهران: نشر جامعه‌شناسان.
- مرزوقی، رحمت‌اله؛ منصور، سیروس. (۱۳۹۴). «تحلیل محتوای کیفی کتاب‌های درسی دوره ابتدایی از منظر جهت‌گیری جنسیتی». *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۳، شماره ۴، ۴۸۵-۴۶۹.
- مسعودی، محسن. (۱۳۹۲). جنسیت و برنامه‌ی درسی: تحلیل برنامه‌های درسی علوم اجتماعی دوره راهنمایی تحصیلی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*. گروه علوم تربیتی گرایش برنامه‌ریزی. دانشگاه کردستان.
- مهری، کریم؛ یزدخواستی، بهجت؛ پناهی، محمدحسین. (۱۳۹۳). «سیاست‌گذاری قومی مبتنی بر دیدگاه مقام معظم رهبری: تحلیل تماتیک». *دوفصلنامه قدرت نرم*، سال چهارم، شماره دهم، ۹۸-۷۵.
- Pesikan, A., Marinkovic, S. (۲۰۰۶). A comparative analysis of the image of man and woman in illustrations of textbooks for first grade children. *Psihologija*. Vol. ۳۹ (۴). ۳۸۳-۴۰۶.
- Brugeilles, C., Cromer, S. (۲۰۰۹). *Promoting Gender Equality through Textbooks*. Published by the United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, ۱-۹۹.
- Ullah, H., Christine, S. (۲۰۱۳). *Gender Representation in the Public Sector Schools Textbooks of Pakistan*. Educational Studies ۳۹(۲): ۱۸۳-۱۹۴.
- Vichit-Vadakan, Juree. (۲۰۱۴). *Gender Analysis of School Textbooks: Conclusions and Recommendations – Report Presented to the Rockefeller Foundation*. Bangkok. NIDA.
- William, R., Kenan, J. r. (۲۰۱۵). *Eliminating gender bias in textbooks: Pushing for policy reforms that promote gender equity in education*. Background Paper, Education for All Global Monitoring Report ۲۰۱۵, Presented to UNESCO, Paris, ۱-۳۲.
- McCabe, J., Emily F., Liz Grauerholz, B. A., Pescosolido, D. T. (۲۰۱۱). *Gender in Twentieth-Century Children's Books: Patterns of Disparity in Titles and Central Characters*. *Gender & Society* ۲۵:۲ (April): ۲۲۶-۲۹۷.
- Blumberg, R. L. (۲۰۰۹). *The invisible obstacle to educational equality: gender bias in textbooks*. Prospects, Sociology Department, University of Virginia, ۳۸:۳۴۵-۳۶۱.
- Jassey, I. A. (۱۹۹۸). *Gender in elementary school texts*. *Japan Quarterly*, ۴۵. ۱, ۸۷-۹۳.
- Alrabaa, S. (۱۹۸۵). *Sex division of labor in Syrian school textbooks*. *International Review of Education*, ۳۱(۳), ۳۳۵-۳۴۸.
- Ahmed, F. B. (۲۰۰۶). *Male bias in school texts*. The Tribune online edition. Chandigarh, India (February ۲۶).

- Yi, J. (۲۰۰۲). A discussion on the form of elementary school social teaching materials from the angle of gender analysis. *Chinese Education and Society*, Vol ۳۵, Issue ۵, ۶۳-۷۶.
- Hamilton, M., Anderson, D., Broaddus, M., Young, K. (۲۰۰۶). Gender stereotyping and under-representation of female characters in ۲۰۰ popular children's picture books. *A twenty-first century update*. *Sex Roles*, ۵۵(۱۱-۱۲), ۷۵۷-۷۶۵.
- Weitzman, L., Eifler, D., Hokada, E., & Ross, C. (۱۹۷۲). Sex role socialization in picture books for preschool children. *American Journal of Sociology*, ۷۷, ۱۱۲۵-۱۱۰۰.
- Vericaite, D. (۲۰۱۲). Gender-Bias in Textbooks in India. *zmogus ir zodis, University in Hyderabad, India, ISSN ۱۳۹۲-۸۶۰۰*, ۶۳- ۶۹.
- Holmqvist, P., Gjorup. (۲۰۰۶). *The Representation of Gender and Gender Roles in English Textbooks*. Doctoral dissertation.
- Toci, A., Aliu, M. (۲۰۱۳). *Gender Stereotypes in Current Children's English Books Used in Elementary Schools in the Republic of Macedonia*. *American International Journal of Contemporary Research*, Vol. ۳ No. ۱۲, ۳۲- ۳۸.
- Ullah, H., Ali, J., Naz, A. (۲۰۱۴). *Gender Representation in Children's Books: A Critical Review of Empirical Studies*. *World Applied Sciences Journal* ۲۹ (۱): ۱۳۴-۱۴۱.
- Tang, H., Chen, B., Zhang, W. (۲۰۱۰). *Gender Issues in Mathematical Textbooks of Primary Schools*. *Journal of Mathematics Education*, Vol. ۳, No. ۲, ۱۰۶-۱۱۴.

